



# آموزش بعد از پرورش



سواد آموزی از طرف مراکز آموزشی شده است  
تعداد بیسوادان طی ۱۰ تا ۱۵ سال اخیر افزایش

داشته است .

شاید علل متعددی در این امر موجب ایس  
افزایش بوده است ، نظیر رشد سریع جمعیت

کمبود بسیار محسوس مدارس و عدم آمادگی به  
تحصیل، ولی آنچه بعنوان علت اصلی و مهم باید

مورد توجه باشد این سه امر است :  
- عدم آرامش و آسایش معلمان ، عدم

هماهنگی در برنامه ریزی آموزشی و نقص ترکیبی  
موسسات آموزشی ...

محقق بزرگوار شهید ثانی ، در مصونیت مزاجی  
و روحی معلمان به نکته قابل توجهی اشاره کرده  
است : معلمی که دست اندرکار تدریس میگردد

معلمان بی شک واسطه انتقال مهارت هـ  
وتوانائیهای نسل جدید هستند ، تعهد معلمان و  
میزان کارائی آنان تا حدود زیادی به موسسات  
آموزشی ومسئولین آن بستگی دارد .

از هر جهت امکاناتی را برای آنان فراهم آورند  
تا بدینوسیله آنان در استمرار به چنین تعهدی  
موفق شوند .

معلمان بیش از هر طبقه دیگر در جامعه  
نیازمند آرامش و آسایش حیاتی هستند . در  
تحقیقات جدید آمار منتشره نشان میدهد که با  
همه تلاش و تبلیغات و بودجه هائی که بسرای

سید کاظم مدرسی

# معلمان واسطه انتقال موضع جهانی آموزش

باید از عوارضی که او را تحت فشار قرار می‌دهد و یا فکر او را دچار تشویش و اضطراب می‌سازد کاملاً "مصون" باشد.

اینگونه عوارض باعث می‌شود که معلم نتواند آنطور که شاید و باید بحث و بیان خود را کاملاً "تفهیم کند" و باموجب می‌گردد که احیاناً "رای و نظریه نادرستی را بطور ناخودآگاه ابراز نماید" ، لذا باید معلم در عین تندرستی در شرایط طبیعی و عادی بتدریس اشتغال ورزد تا افکار و آراء صحیحی را در اختیار دانش آموزان قرار دهد...

فیلیپ کومبز ، میگوید: در اوضاع و احوال کنونی بنظر نمیرسد که معلمین در مجموع به انتقاد از خود تن دهند و نوآوری‌هایی را برای فزونی باز ده کار آموزشی در کلاسها بکار بندند زیرا احیاناً "در کارهای بی بهره چنان گرفتار هستند که فرصت اندیشیدن ندارند" ، تا زمانی که عرضه و تقاضای آموزش و پرورش متعادل نگردد

نمی‌توان از آموزگاران توقع داشت که دانشها و روشهای نوین را در کلاسهای خویش بکار بندند ؛ امروز آموزش و پرورش در یک موقعیت بفرنجی قرار دارد ، از یک طرف بهر کسی سفارش میکند که در "کمال" خویش بکوشد ولی از طرف دیگر خود نظام آموزش و پرورش از نوکردن و کوشش در راه کمال خویش سرباز می‌زند... بدلائل بسیاری معلمان و دبیران در کانون بحران قرار دارند . مسئله تولید معلمان تنها جنبه کمی ندارد بلکه اساساً یک مسئله کیفی است زیرا باید باندازه کافی و با سطح معلومات رضایت بخشی معلم پرورش داد .





رو با افزایش است ، می‌توان مرتبا " ، بدون اینکه هزینه واقعی تولید تغییری بکند ، حقوق آنها را بالا برد در صورتیکه در آموزش و پرورش ، بالا بردن ۱۰ درصد حقوق معلمان موجب افزایش ۷ یا ۸ درصد جمع هزینه های تولید میشود .

این حقایق تلخ اقتصادی روی شرایط اجتماعی و چگونگی ارزش پیشه‌معلمی اثر می‌گذارد بطوریکه می‌توان بنحوی ، قانون‌گشام "زاد" مورد ایشان پذیرفت " بدین معنی که معلمان بد ، معلمان خوب را از کار برکنار میکنند . "

بهمین جهت از ده سال پیش در بسیاری از کشورها کمبود معلم بطور انکارناپذیری وجود داشته است . از سویی کمبود نیروی انسانی ما هر عمومیت یافته و از سوی دیگر آموزش و پرورش توانایی مبارزه با کارفرمایان رقیب را از دست داده است .

ضعف بودجه آموزش و پرورش که در نتیجه باعث از دست دادن مهمترین و قویترین ابزار کار شده است از طرفی موجب عقیم ماندن برنامه‌ریزیها و بی‌حاصلی آن گشته است . بتدریج بازده این ضعف سبب فقر فرهنگی وتوقف رشد ملی شده است .

اگر شرایط اجتماعی اقتصادی یک جامعه نتواند به تحول فرهنگی منجر گردد مسلم آموزش و پرورش نیز از پرورش نیروی ماهر و متخصص مومن عاجز خواهد ماند و این امر وابستگی پنهانی را بوجود می‌آورد . امروزه بویژه توجه دقیق بمسئله‌ی آموزش و پرورش برای ملل در حال توسعه از این جهت جهانی است که رهبران بیدار دل این ملل دریافته‌اند که تحقق ایده‌آل‌های و استقلال بمعنای واقعی این ملل میسر نیست مگر درهمه‌ی واحدهای اجتماعی وبخصوص در شبکه آموزش و پرورش گروه عظیمی از زنان ومردان تربیت یافته

همانطور که یک مربی گفته است : " معمولا " ما می‌توانیم باندازه دلخواه اشخاصی که بتوانند انضباط را در کلاسهای ما برقرار نمایند پیدا کنیم ولی پیدا کردن کسانی که هنر آموزگاری داشته باشند دشوار است . " با توجه باین نکته ونسبت به کل جمعیت کشور این مسئله سه مورد اساسی را در بر میگیرد :

۱- آموزش و پرورش صنعتی است بصورت تولید انبوهی که به نیروی انسانی زیادی نیاز دارد ولی هنوز هم فنون صنایع دستی در آن بکار میرود .

۲- برخلاف سایر صنایع ، صنعت آموزش و پرورش در عین حال تولید کننده نیروی انسانی خیلی ماهر است ، اگر بخواهید که این صنعت بنحو مطلوبی برای سایر مصرف‌کنندگان نیروی انسانی ، مواد لازم را فراهم آورد باید هر سال و در هر نسلی روز بروز بیشتر ، بخشی از زبده ترین محصولات خود را بکار برد تا برتری کیفیت برداشت بعدی را تامین نماید .

۳- این نکته که بدومی بستگی دارد مربوط به کزینش و نگهداری بخشی از محصولات آموزش و پرورش برای خود آنست ، ولی در این مورد نظام آموزش و پرورش رقابت سختی با سایر مصرف کنندگان محصولات خود دارد ، زیرا سایرین امتیازات بیشتری برای این محصولات قایل می‌شوند ، در نتیجه برای آموزش و پرورش شماره فراوانی از محصولات پی مانده باقی میماند ، چرا کارفرمایان دیگر نسبت به آموزش و پرورش پیشدستی میکنند؟ زیرا رقبای آن ثروتمندتر هستند و قانون مزد بیشتر را بکار می‌بندند بویژه در صنایع نو که احتیاج پسرمايه هنگفت و تکنولوژی پیشرفته داشته بهره‌وری نیروی انسانی

و مجهز بدانش امروز و معتقد به اصلاحات اجتماعی و قادر به محقق ساختن ایدآلها و توقعات بزرگ و انقلابی مردم .

آموزش و پرورش بصورت وسیع ترین صنعت قرن بیستم درآمده است . درهرکشوری هزینه های مربوط به آموزش و پرورش ۲ تا ۶ درصد از درآمد ملی و تقریباً ۲۰ درصد بودجه دولتها را تشکیل می دهد .

اهمیت موضوع آموزش و پرورش بحدی است که در سطح بین المللی طی سالهای ۱۹۵۹ به بعد از جانب سازمانهای بین المللی کنگره ها و کنفرانسهای متعددی برای طراحی و تجزیه و تحلیل مسائل مربوط به تعلیم و تربیت جهان سوم تدارک دیده شده است ، در سالهای ۱۹۵۹ تا ۱۹۶۶ کنفرانسهای مختلف آموزش و پرورش تشکیل گردید که تنها در مورد آسیا سه کنفرانس کراچی به سال ۱۹۵۹ ، توکیو در سال ۱۹۶۲ و بانکوک در سال ۱۹۶۵ قابل اشاره است ، در کنفرانس کراچی طرحی بمنظور اجرای برنامه های توسعه آموزش و پرورش برای مدت ۷ سال در همه کشورهای قاره آسیا بتصویب رسید در دو کنفرانس بعدی قواریهای مربوط به آموزش و پرورش به اصطلاح آسیائی برای سال ۱۹۸۰ تایید و اجرای آن مسجل گردید .

کنفرانس جهانی پاریس که در سال ۱۹۶۸ با شرکت کارشناسان و نمایندگان ۹۵ کشور برگزار گردید طرح و تجزیه و تحلیل تجارب جهانی

مربوط به برنامه ریزی و توسعه آموزش و پرورش طبقه بندی مسائل اساسی مبتلا به این تکامل آموزش و تعیین اصول رفتار و عمل کردهای مشترک همهی ملل شرکت کننده درکنفرانس برای دست کم بیست سال آینده موضوع اساسی بحث و گفتگو و رسیدگی قرارداد است .

خلاصه نتایجی که از کنفرانس بین المللی برنامه ریزی پاریس بدست آمد باین قرار بود :

الف- برنامه ریزی و توسعه ی تعلیم و تربیت باید نه فقط سطوح مختلف آموزش رسمی درسطح ابتدائی و متوسطه و عالی را در برگیرد بلکه باید شامل انواع آموزشهای غیر رسمی یعنی تعلیم سواد ، تربیت بزرگسالان ، اشاعه علوم بین همه مردم ، بهبود و تجدید مهارت کارگران آموزش زنان و مانند آن نیز گردد .

ب - هدف تعلیم و تربیت برآوردن نیازهای مختلف اقتصادی ، سیاسی ، اجتماعی و فرهنگی یک جامعه و کمک به رشد جامع ملی است بنابراین هدف تعلیم و تربیت رانمی توان به پرورش نیروی متخصص کار و تامین حوائج اقتصادی جامعه محدود کرد . . .

ولی متأسفانه تمامی کنفرانسها باهمه نتایجی که در برنامه ریزی مطرح ساخته اند بعلل زیانتهائی که برای رقبای آن داشته نه در جوامع در حال رشد و نه در جهان سوم هنوز به تحول و شکوفائی نرسیده است .

راه ماحق است و همه در مقابل باطل ایستاده ایم  
و با صبر و استقامت حق بر باطل پیروز است .  
امام خمینی